

## ملاحظات در مصاحبه های اعلیحضرت

### در لندن

امیرفیض - حقوقدان

بطوریکه استحضاردارید اعلیحضرت در سفر اخیرشان به انگلستان که بنابه دعوت پارلمان آنکشور و کمیسیون ایران صورت گرفت، مصاحبه هائی داشته اند که از جمله مصاحبه باراديو صدای آمریکا ونماینده گی کیهان لندن و بی بی سی بوده است.

برسم معهود، این تحریر سعی خواهد کرد که نکته های تازه وبرجسته سخنان اعلیحضرت مورد نقد قرارگیرد.

بشارت هائیکه در فرمایشات ایشان بنظر تازه بنظر رسید اینهاست:

۱- مرحله انتقاد وافشاگری از رژیم وجنایاتی که در رژیم میشود بسرآمده زیرا نه تنها مردم ایران بلکه جهانیان نیز باماهیت دیکتاتوری وسرکوبگری رژیم آشنا شده اند ونیز به این واقعیت رسیده اند که این نظام اصلاح شدنی نیست وهرگونه اقدامی برای اصلاح آن بشود مردود است. (۱)

۲- جمهوری اسلامی دارد به <خط قرمز اتمی که داریم نزدیک میشود>. (۲)

۳- شورایملی ایران خواهان پشتیبانی وکمک است، تاکنون کشورهای آزاد جهان به اپوزیسیون جمهوری اسلامی کمک وپشتیبانی نکرده اند. (۳)

۴- مبارزه در این سی سال گذشته درحالت بین زمین وهوابوده وفکر میکنم که ایرانیان به این شورا امید بسته اند که آنها را به ساحل نجات برساند. (۴)

۵- من یکنفر این وسط شرط خودم رادر این کار گذاشته ام که ما تنها متکی خواهیم بود به کمک های هم میهنان در این رابطه کوچکترین بودجه ای از هیچ دولت خارجی ویادستگاه های امنیتی قبول نخواهیم کرد برای اینکه کوچکترین شکی بوجود نیاید که این حرکت متاثر است واز جای دیگری حمایت وهدایت میشود. (۵)

۶- بین شورای ملی ایران وشورای ملی سوریه فرق است. (۶)

با اعلیحضرت این پرسش در میان گذاشته شده که:

در ایام اخیر فعالیت های گروه های سیاسی افزوده شده است آیا کشورهای دمکراتیک غربی این گروه ها را جدی میگیرند؟

پاسخ اعلیحضرت بر این پایه است که: <اگر قرار باشد جدی بگیرند بمناسبت برنامه ای است که آن گروه ها ارائه میدهند>. (۷)

سوال بعدی این بود که:

مقامات آمریکائی میگویند هدف تغییر رژیم نیست بلکه تغییر روش است آیا با این سیاست پشتیبانی از اپوزیسیون ممکن است؟

اعلیحضرت از سوال مزبور استقبال فرمودند وپاسخی راکه بارها وبارها به این پرسش کلی داده اند تکرار کردند ولی با اضافاتی که دادند، همان اضافات سبب حضور آنها در این نقد شده است.

پاسخ اعلیحضرت چنین بوده است:

«سیاست غرب تاکنون باین هدف بوده است که رفتار رژیم را تغییر بدهد که تاکنون جواب نداده ولی اگر سیاست شما (مقصود کشورهای غربی است) از این پس این باشد که فراتر از تحریم ها و بطور جدی برای بار اول رسماً وارد مذاکره و ارتباط با نیروهای اپوزیسیون ایران در داخل و خارج که دمکرات هستند که گزینه ای غیر از جمهوری اسلامی راجستجو میکنند بشوید و حمایت کنید، آنوقت میتوانید انتظار داشته باشیم که مردم ایران حاضر باشند و تن بدهند به هزینه های که این کار خواهد داشت اگر بدانند که نهایتاً موفق خواهند شد به کنار گذاشتن این رژیم.» (۸)

### سوال دیگر درباره نافرمانی مدنی

سوال شد که: «در چهارشنبه شب در یکی از تالارهای پارلمان انگلستان اشاره کردید که نافرمانی مدنی با حمایت بین المللی رژیم رابرکنار میسازد این نافرمانی مدنی را چگونه توصیف میکنید؟»

پاسخ اعلیحضرت چنین آمده است:

«من باور دارم که اگر درست عمل بشود، درست برنامه ریزی بشود و تقویت و پشتیبانی کافی باشد با ترکیبی از تحریم های اقتصادی و حمایت مستقیم از نیروها و بخش های مختلف جامعه میتوان از طریق مقاومت مدنی رژیم راسرنگون کرد.»

اعلیحضرت در مورد ایرادی که در رابطه با ایران متوجه آقای اوپاما در گذشته داشته اند اینطور رفع معذور فرمودند:

«اوپاما فرصتی را از دست داد وقتی ایرانی ها گفتند <اوپاما باما یا با اونا> ایشان وارد عمل نشد.» (۹)

دوبار این سوال <چه گروهانی در این شورا هستند> مطرح شد.

پاسخ اعلیحضرت این بود که «مهم این است که ما امروز حق رای نداریم و میخواهیم برسیم به حق رای.» و بهرحال از معرفی هویت شورا امتناع ورزیدند. (۱۰)

## ملاحظات در مسیر نقد

### ۱- پایان مرحله افشاکری

حدود ۲۵ سال است که اعلیحضرت رسالت و وظیفه خودشان را محدود به رساندن صدای ایرانیان دربند به جامعه جهانی میدانستند و هر قدر هم که کتبا به عرض مبارکشان رسید که جامعه جهانی دقیقاً به اوضاع ایران آگاه است و مطبوعات کشورها و دستگاههای خبری و اینترنت و نیز ایرانیان در خدمت سازمان های اطلاعاتی خارجی حقیقت وضع ایران را به خارجیان نشان میدهند مقبول نیفتاد.

یک روزنامه سوئیسی به اعتبار گفتگوی باجیمز وولسی یکی از رؤسای سابق سیا نوشت: «رئیس سابق سازمان سیا گفت ما اطلاعاتمان را از مهاجرین کشورها میگیریم» (کیهان لندن شماره ۹۹۸)

روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت سازمان سیا ماهیانه ۱۰۰ هزار دلار به جبهه نجات پرداخت میکرد که این دستمزد برای جمع آوری اطلاعات بود و روزنامه مزبور علت قطع ماهیانه ۱۰۰ هزار دلار به جبهه ملی را دادن اطلاعات نادرست و سوال برانگیز برای سازمان سیا و نیز حیف و میل پولهای سیا در بازارهای پولی سوئیس دانست. (مشروح درسنگراول دیماه ۱۳۸۳)

توضیح اینکه آقای شاهین فاطمی (نام اصلی محمد علی فاطمی) در رابطه با جمع آوری خبر برای آمریکا به تشکیل مرکز اطلاعات و اسناد ایران اقدام کرد. (مشروح درسنگراول دیماه ۱۳۸۳).

مقصود از اشاره به این مورد از بسیار، این است که **دست سازمان سیا و همچنین سایر مراجع اطلاعاتی کشورها برای کسب خبر از اوضاع ایران کاملا باز بوده و نیازی به اینکه اعلیحضرت رسالت خودشان رابه آن کار اختصاص بدهند نبوده است.**

به حکایت مقاله سنگراول بهمن ماه ۱۳۷۷، از ۱۶ سال قبل اعلیحضرت برای ایرانیان و شخص خودشان این تکلیف را مقرر فرمودند که ایرانیان، کشورهای خارج را از آنچه که بر ملت ایران می‌رود آگاه سازند، و در همان بیانات سال ۷۷ هم این آگاهی را به همگان دادند که؛ «دنیا تاکنون آنچه در ایران می‌گذرد را زیرسبیلی رد کرده است» با این علم و آگاهی و اعلام آن چرا باید سی سال رسالت تاریخی و قانونی اعلیحضرت به بلندگو شدن و یا انتقال اطلاعات به خارجی‌ها که در هر مرحله ای که باشد تامل پذیر است تبدیل گردد.<sup>۱</sup>

درده ها سنگر و بهرمناسبتی که ممکن بوده توجه اعلیحضرت به این کار نادرست را که جایگزین رسالت قانونی و تکلیف مورد تعهد خودشان فرموده اند یاد آور گردیده از جمله از همان سنگراول بهمن ماه می‌خوانیم که:

«این توصیه همایونی (تکلیف کردن به ایرانیان که وضعیت کشورشان رابه خارجی‌ها اعلام کنند) سابقه ای ۱۶ ساله دارد و از دوصورت خارج نیست یا خارجی‌ها گوش شنوا ندارند و یا دارند و میدانند که در ایران بر سر مردم چه آمده و می‌آید ولی اعتقانی ندارند و اصلا برای آنها، مردم کشورهای دیگر مهم نیست و آنچه برای آنها مهم است وضع خودشان است، و این دومی است که ما آنرا درک نمی‌کنیم و خیال می‌کنیم همینکه مردم کشورها از وضع کشور و ملت ما مطلع شوند سراسیمه به کمک مردم و سرنگونی جمهوری اسلامی می‌شتابند، و انگهی مگر آنچه که در کشورهای دیگر می‌گذرد برای مردم ما مهم است که ما نشسته ایم و به این خیال‌های باطله دل بسته ایم .....» (همان سنگر صفحه ۸)

**برادشت اعلیحضرت به اینکه خارجی‌ها به این واقعیت رسیده اند که این نظام اصلاح شدنی نیست ناشی از تلقین است.**

در همین مصاحبه صدای آمریکا بعد از اظهار نظر اعلیحضرت نسبت به دیدگاه کشورهای خارجی در رابطه با غیرقابل اصلاح بودن پرسش کننده می‌گوید: «آمریکایی‌ها می‌گویند هدف تغییر رژیم نیست بلکه تغییر روش است آیا با این سیاست پشتیبانی از اپوزیسیون ممکن است»

مصاحبه کننده با اعلام سیاست آمریکا نسبت به تغییر روش جمهوری اسلامی خواسته است مودبانه به اعلیحضرت گفته باشد که برداشتشان درست نیست و تلقینی است.

## ۲- خط قرمز اتمی

اشاره اعلیحضرت به اینکه؛ «جمهوری اسلامی دارد به خط قرمزی که داریم نزدیک می‌شویم» و هن و وهم آور است، خطی در حقوق بین الملل و یا آژانس اتمی بنام خط قرمز اتمی وجود ندارد. تنها خواست نخست وزیر اسرائیل بود که حتی به تانید هم نزدیک نشد، تاچه رسد که ضابطه ای شناخته شود و حتی از سوی برخی از شخصیت های اسرائیلی هم یک تظاهر بی معنا تلقی گردید.

استناد اعلیحضرت به خط قرمز آنها در عبارت «خط قرمزی که داریم» به معنا و مفهوم قبول پیشنهاد آقای نتانیاهو است و همچنین رضایت به اقداماتی که اسرائیل خواهان آن است در مورد عبور جمهوری اسلامی از خط قرمز مورد تعیین اسرائیل.

این قبیل تانید ها و تنفیذ ها متعلق به آثاری است که بطور حتم به زمینه حقوقی مناسب برای حمله اسرائیل به ایران کمک میکند بهمین دلیل است که گفته اند:

چنانکه عالم معنا و عالم محسوس

سخنوری و سیاست زهم جدا باشند

<sup>۱</sup> - اطلاعات در هر لحظه و زمان تغییر میکند، گاهی همان اطلاعات می تواند مورد بهره برداری اپوزیسیون واقعی قرار گیرد اگر «غربی ها» از آن بی خبر مانده باشند (اگر) گاهی اطلاعات کهنه دادن موجب بی اعتباری می شود. ح-ک

**۳- کمک جهانی به اپوزیسیون**

ادعای اینکه کشورهای خارجی تاکنون به اپوزیسیون جمهوری اسلامی کمک و پشتیبانی نکرده اند درعین اینکه اسباب حیرت است یاد آور این بیت هم هست؛ «طمع رانیاید دوچندان کنی که صاحب کرم! راپشیمان کنی»

اسباب حیرت است زیرا انکار کمکهای آمریکا به بخشی از اپوزیسیون که آماده حفظ منافع آمریکاست امری است که بصورت قانون درکنگره آمریکا به تصویب رسیده و نام آن قانون هم «قانون آزادی ایران» و سال تاسیس آن ۲۰۰۴ است.

در آن قانون آمده است: «آمریکا باید ۱- از نیروهانی که خواهان دموکراسی در ایران هستند حمایت کند. ۲- همچنین اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور مشمول این قانون میباشد. استاندارد شمول ایرانیان به این قانون متوجه کسانی است که حافظ منافع آمریکا شناخته شوند. (مشروح درسنگر ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۴)

توضیح اینکه روزنامه الحیات فاش کرد که قانون «آزادی ایران» که پس از مشورت با کاخ سفید تهیه شده شباهت زیادی به قانون «آزادی عراق دارد».



قانون قربانیان سانسور در ایران بودجه ای به مبلغ ۵۵ میلیون دلار در اختیار وزارت خارجه آمریکا گذاشته برای کمک به مخالفان جمهوری اسلامی که در رسانه های عمومی فعالیت دارند و به گزارش خبرگزاری فرانسه، دولت آمریکا علاوه بر مبلغ مزبور سالیانه ۷۵ میلیون دلار به گروههای مورد نظرواشنگتن تخصیص میدهد و همچنین رادیو و تلویزیون ها را هم این کمک شامل میگردد.



روزنامه لوس آنجلس تایمز نوشت حمایت مالی آمریکا از مخالفین جمهوری اسلامی از سال ۱۹۸۲ با حمایت از جبهه ملی آغاز شد.



نیویورک تایمز در همان تاریخ سندی را منتشر ساخت و نوشت: «آمریکا با خرج میلیون ها دلار بوسیله سازمان سیا ضد انقلابیون داخل و خارج ایران را در کشورهای فرانسه و مصر و ترکیه تقویت میکند تا ایران اسلامی رابی ثبات کند و بنابر نوشته روزنامه انترنشنال هرالد تریبیون هدف از این کمکها یکم کردن گروهک های سیاسی ایران است که در صورت امکان، در شکل آینده ایران نقش داشته باشند»



روزنامه نایت ریدر و دیگر جراند آمریکا نوشتند: «رایس وزیر خارجه آمریکا سیاست حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی ایران و تقویت آنرا دنبال میکند، لازمه این سیاست تماس با گروههای مخالف جمهوری اسلامی از سوی آمریکا است.» روزنامه نیویورک تایمز هم اضافه کرد: «باتجدید انتخاب بوش گروههای سیاسی ایرانی مخالفت جمهوری اسلامی فعال تر شدند» در همین زمان، روزنامه ایرانی، ایرانیان در شماره ۲۰ آذر ماه ۸۳ خبر از دعوت آقای سازگارا برای ملاقات با مقامات آمریکایی داد، درست بعد از اختصاص این بودجه بود که کمپین رفرا ندیم ۶۰ میلیون امضا براه افتاد.



آیا حمایت های آشکار آمریکا و کشورهای اروپایی از جنبش سبز آنهم تاحدی که آمریکا و اسرائیل سبزی های مورد حمایت خودشان را سربازان خودشان نامیدند هم انکارکردنی است؟

اسناد مزبور که جزئی از کلی از اسناد علنی و مطبوعاتی است، ادعای اعلیحضرت را در عدم کمک آمریکا به اپوزیسیون نفی میکند، مگر اینکه کمک مورد انتظار و درخواست اعلیحضرت حد و کیفیت خاصی را شامل بشود که امری استثنائی باشد.

#### ۴- امید واهی

اظهارات اعلیحضرت به اینکه فکرمیفرمایند که ایرانیان به شورای ملی امید بسته و آنرا کشتی ساحل نجات میدانند مداهنه سابقه دار است، هم از طرف اعلیحضرت و هم دیگران و در واقع نوعی تبلیغ و رنگ کردن قضایاست.

دریند دوم بیانیه ۱۸ دیماه سال ۸۳ که بمناسبت تجلیل از رفتارندم ۶۰ میلیون دادکام (دکان سازگارا) ایراد فرمودند آمده است:

«سرانجام آفتاب آزادی و حقوق بشریاری دیگر در آسمان مبارزات مردم ایران درخشیدن گرفت و رفتارندم بعنوان اصل راهنمای یک مبارزه ملی از سوی جمعی از هممیهنان داخل و خارج پذیرفته و اعلام شده، وظیفه ملی و میهنی هرایرانی آزاده و وطن پرست است که از این مسیر با تمام توان به یاری مبارزان آزادیخواه بشنابند» (مداهنه و رنگ کردن قضایا)



#### مداهنه دیگر

«در عرض ۲۵ سال تا به امروز به این شکلی که تاکنون نمایان شده آترناتیوی ملموس و منطقی و باور پذیر از دید جهانیان در ارتباط با تحولات کشور ما نبوده است، (مقصود بازی فراخوان ۶۰ میلیونی است) این، الان پیش آمده، فراموش نکنید که کساتیکه این فراخوان را ارائه داده اند اگر مثل بنده و شما در محیط لوس آنجلس بودند میتوانستند خیلی بیشتر و با جزئیات بیشتری آنرا عنوان کنند یادمان نرود که آنها در چه شرائطی در داخل هستند دقت کنید به شهادت آنان به رشد فکری و آن بلوغ سیاسی پس بیانید کمک کنید.» (مشروح درسنگر ۱۵ بهمن ماه ۱۳۸۳)

توضیح - همانطور که ادعا میشود که منشور شورای ملی در ایران و بوسیله زندانیان آزادیخواه تنظیم شده، همانطور هم تهیه کمپین رفتارندم ۶۰ میلیون امضا راهم منتسب به ایرانیان داخل کشور کردند.



#### مداهنه دیگر

در سال ۱۳۷۹ یعنی ۴ سال قبل از طرح رفتارندم دادکام اعلیحضرت تز اتحاد برای همه پرسى را ارائه فرمودند بعد از ۴ ماه در انجمن ملی مطبوعات آمریکا فرمودند: «خوشوقتیم به اطلاع هم میهنان برسایم که ظرف ۲ ماه ۳،۲۰۰،۰۰۰ پیام روی سایت من در اینترنت آمده است.»

فراموش نشود که رفتارندم ۶۰ میلیون داد کام بعد از ۶ ماه با همه تبلیغات وسیع و حتی حمایت اعلیحضرت و امضای آن از طرف ایشان و اعلیحضرت و شادروان علیرضا پهلوی به ۴۰ هزار امضای اینترنتی غیرقابل اعتماد ختم گردید.

**رنگاری و تبلیغ**

در ادبیات و فرهنگ ما اصطلاح رنگ کردن که معنای اغوا و فریب را دارد با سابقه است، عبارات «پنزد مردم هشیار، رنگ بیرنگی است» «حقیقت در بیرنگی است» ضرب المثل «خررنگ کردن» نشانگر حساسیت جامعه به رنگ کردن و ماست مالی کردن موضوعات است.

همانطور که رنگ کردن تغییری در ماهیت اشیاء نمیدهد، این نوع مداهنه ها و صحنه سازی هاهم تاثیری در ماهیت شورای ملی ندارد یک مثال قال قضیه را بهتر میکند.

یک زن فاحشه مبتلا به بیماری های سخت مقاربتی را خیلی ساده ممکن است با بزرگ به یک زن ساده و بی آرایش، در آورد، ولی آیا این کوششها و ظاهر سازیها سبب رفع بیماری مقاربتی او میشود و او را بیک زن پاک و سالم و منزه تبدیل میکند؟ حتما خیر.

شورای ملی مورد حمایت اعلیحضرت مبتلا به بیماری خطرناک و سرایت پذیر تجزیه کشور است (ماده ۱۱ و متعلقات آن) اینقبیل مداهنه ها و صحنه سازیها و اغوا گریها و حتی امضای شخصیت ها تاثیر و تاثیر گذاری در آن بیماری نمیدهد هیچ انسانی حاضر نیست که ماموریت این اغواگریها و صحنه سازی ها را بپذیرد **بهمین دلیل است که این نحوست بسیار سنگین و پرمسئولیت را رندان در شورای ملی بر عهده اعلیحضرت نهاده اند.**

**مبارزه بین هوا و زمین**

ابراز دلشادی اعلیحضرت به اینکه شورای ملی به سی سال در بین هوا و زمین بودن مبارزه پایان میدهد ناشی از کم اهمیت دادن به فلسفه مبارزه است، سردرگمی و بقول اعلیحضرت بین زمین و هوا بودن مبارزه ناشی از نبودن شورای ملی نبوده، چرا که انواع شوراها و کنگرها و جبهه ها در رابطه با مبارزه بوجود آمد ولی همانطور که میدانیم بنابه گفته اعلحضرت مبارزه دستاورد مثبتی نداشته است. (مصاحبه با احرار).

**علت سردرگمی و یاد رهو ابودن مبارزه عدم اتصال مبارزه به اعتقاد راسخ به حقانیت**

**و مشروعیت مبارزه است** که نشانات یافته از قانون و سنت و هویت تاریخی و یا شرع باشد، مبارزه ای که متکی بر نظر بود که هست، مانند پرگاه و یا حبابی در هواست، باید فکر نان کرد که خریزه آب است، باید مبارزه را در مسیر تاریخی و هویت ملی و سنت پایدار و قانون اساسی قرارداد تا پایه های آن بجای اینکه بر نظریه باشد بر مشروعیت سنتی و تاریخی مستقر گردد.

پایان قسمت اول به امید ادامه آن